

# مربی کیست؟

**مرحوم د- اسدالهی از کارشناسان و نویسندگان نامی کشور در نوشته های خود تحت عنوان آئین مربیگری که در سال 73 در مجله کیهان ورزشی منتشر می شد در یکی از بخش ها بحثی تحت عنوان مربی کیست را مورد توجه قرار داده است.**

آن مرحوم می نویسد: "مربی کیست که چیزی یاد گرفته و می خواهد به دیگران یاد دهد. بنای کار او عشق است نه درآمد مادی، ضمن این که کار او باید پاداشی داشته باشد تا فارغ البال به خدمت عاشقانه خود بپردازد".

مربی را چند نیرو برای انجام کار زیر فشار قرار می دهند که مهم ترین آنها را نیروی عشق، میل به میدانی بودن، میل به جاه طلب و وظیفه شناسی بیان می کند.

میل به میدانی بودن چه مفهومی دارد؟ اکثر ورزشکاران وقتی با توجه به شرایط سنی مجبور به ترک دوران قهرمانی شده و میدان را به جوان تر از خودشان واگذار می کنند اتفاق می افتد که از ته دل به این کار راضی نشده و همچنان برای حضور در میدان تمایل نشان داده و این انگیزه را در خود پیدا می کنند. علاقه به ماندن و فعالیت در میدان را نباید به هوس تعبیر کرد، بلکه این امر می تواند از روی علاقه باشد. برای برخی ها گوشه نشینی و فعال نبودن در حوزه هایی که تخصص داشته و سال ها در آن عرصه ها تلاش کرده اند برابر با مرگ است. ورزشکاری که پا به سن می گذارد و امکان فعالیت از وی به عنوان بازیکن سلب می شود برای جواب دادن به علاقه ذاتی اش راه مربیگری را در پیش گرفته و در سنگر جدیدی به خدمت مشغول می شود. ورزشکاری که عمری را سپری کرده و تجربه اندوخته است می خواهد داشته های خودش را به نسل جوان انتقال دهد و برآستی این کار نیاز به عرصه و فضایی دارد که امر مربیگری می تواند این فضا را برای او فراهم نماید.

وظیفه شناسی نیروی دیگری است که مربی را برای خدمت بهتر و بیشتر مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دهد. این نیرو، مربی را وادار می سازد که شب و روز خود را در راستای انجام وظیفه به کار گیرد و تا زمانی که احساس نکند به آنچه می خواسته دست پیدا کرده است، آرام و قرار نگیرد و دست از تلاش و کوشش برندارد.

در دنیای ورزش باید اختیاراتی برای یک مربی در نظر گرفته شود. اگر این کار تحقق نیابد چنین فردی را نباید با عنوان مربی مورد خطاب قرار داد.

یکی دیگر از نیروهای چهارگانه مورد اشاره که در وجود هر انسانی به اندازه سرمایه اولی سرشته شده جاه طلبی است. جاه طلبی انسان را برای این که بتواند پا در مسیر صعود قرار بدهد یاری می کند. اگر احساس جاه طلبی در کسی وجود نداشته باشد پیشرفت و گام های رو به جلو برداشتن برایش امکان پذیر نمی شود و به عبارتی دیگر چنین فردی درجا می زند و یا به پستی می گراید.

جاه طلبی با جاه زدگی تفاوت دارد و میان این دو مرزی وجود دارد که حد آن را عقل می تواند معین نماید. زیاده خواهی در زمینه جاه طلبی انسان را به سوی جاه زدگی یا جاه پرستی می برد که بلای دیگری است. آدمی برای این که بتواند این هوس بی مهار خود را سیراب می کند مجبور می شود که به هر دری سر بزند و از هر کوی و برزنی عبور بکند و به هر ناشایستی تن بدهد و اما در دنیای مربیگری برای این که یک مربی بتواند به خوبی پیشرفت بکند و در انجام وظیفه به بهترین وجه عمل نماید، بزرگ ترین و مهم ترین شرط خدمت بایسته است ولی اگر زیاده بر آنچه لیاقتش را دارد طلب بکند. برای رسیدن به آن هیچ راهی جز چنگ زدن به راه ناشایست نمی تواند در پیش بگیرد. مربیان چاپلوس، مربیان دغل باز، مربیان زد و بندچی و مربیانی که حق را ناحق می کنند و بساط کار را مناسب بروز این رذایل می یابند از کسوت مربیگری خارج می شوند و ردای رنگینی می پوشند که ننگین است.

یکی از مهم ترین وظایف و رسالت مربیان پرورش انسان و انسانیت است. حال اگر فردی پیدا شود که ادعای به تن کردن ردای مربیگری را داشته باشد ولی شاگردان خود را به دروغ گفتن و اتهام زدن وادار سازد و به جای این که صفات پسندیده را به آنها تعلیم دهد عملاً آنها را به قدم زدن در بی راهه تشویق و ترغیب بنمایند، آیا می توان ادعا کرد که به چنین فردی می توان عنوان بزرگ، قابل احترام و مورد ستایش یعنی مربی را اطلاق کرد؟

اگر کسی به صفت ناپسند و مذموم جاه زدگی مبتلا شود به هر وسیله ای دست می زند تا بتواند به خواسته های غیر منطقی خود دست پیدا بکند. برای این که بتواند اسم خود را بر سر زبان ها بیندازد زمین و زمان را مورد حمله قرار می دهد، مصاحبه های بی اساس انجام داده و کارهای ناروا و بدون دلیل را به خیلی ها نسبت می دهد. جاه زدگی او را به مسیری سوق می دهد که حاضر می شود شناخته و ناشناخته حرمت ها را زیر پا بگذارد و برای این که بتواند دستمالی برای خودش تهیه بکند، قیصریه ای را به آتش بکشد.

جاه زدگان برای عقب نیفتادن از برنامه ای که برای خود تدارک دیده اند هر روز نقشه ای جدید تدارک دیده و راههای مختلف را مورد

آزمایش قرار می دهند. استفاده از موقعیت و جایگاه دیگران مهم ترین و بارز ترین حرفه این قبیل افراد محسوب می شود. آنها هر روز خود را عاشق و کشته صاحبان قدرت و دارندگان موقعیت اجتماعی می کنند تا بلکه بتوانند با استفاده از موقعیت آنها برای خود از آشفته بازار کلاهی به دست آورند.

هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که افراد جاه زده می توانند بزرگ ترین ضربه ها را به دنیای با صفا و بدون رقیب مربیگری وارد کنند. آنها با کارهای ناشایست و خارج از چارچوب اصول اخلاقی و رفتاری بیشتر از هر چیزی به آینده جوانان و نوجوانانی که تحت تعلیم آنها قرار گرفته اند ضربه می زنند و به جای پرورش انسان هایی وظیفه شناس، صادق، راستگو، تلاشگر و در خدمت حق و حقیقت آنها را با دنیای مکر و حيله و دروغ پردازی و منفعت طلبی آشنا نموده و آنها را به عنصری بی فایده و مروجین دروغ و کذب تبدیل می نمایند.

**پس در بحث نیروی جاه طلبی می توان نتیجه گرفت که "جاه برای آن است که مربی خدمت شایسته انجام دهد و خدمت پسندیده برای آن است که مربی در جاه شایسته قرار گیرد. چون شایستگی و پسندیدگی از میان برداشته شود اگر مربی به قله هرم این حرفه نیز برسد لباس ننگین پوشیده است.**